

نگاهی به عصر مشروطیت از منظر اسناد «قراردادها»

دکتر کریم سلیمانی*

چکیده

دربارهٔ انقلاب مشروطهٔ ایران - که نقطهٔ عطفی در تاریخ کشورمان به حساب می‌آید - بویژه در پاسخ این سؤال که آیا این انقلاب، برای ما ایرانیان دستاوردی داشته است یا نه؟ از سوی مورخان و روشنفکرانی که تحقیقات آنها راجع به تحولات حوزه‌های سیاسی می‌باشد، پاسخهای مختلفی داده شده است. اما در این میان، این رویداد از منظر تاریخ اجتماعی و بخصوص با تکیه بر اسناد، کم‌تر مورد پژوهش قرار گرفته است. لذا نوشتهٔ حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از ۲۱۳۰ برگ از برگزیده‌ترین اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، توصیفی از روند پیدایش تقاضاها و انتظارات و در نتیجه تحرک مدنی در جامعهٔ ایرانی عصر مشروطه ارائه کند. از مصداقهای مورد بررسی، بانک استقراضی روس، کمپانی لینچ، شرکت روی خوشتاریا، شرکت روسی راه انزلی - تهران و شرکت شیلات شمال است که در نتیجه‌گیری مقاله به آنها استناد شده است.

کلید واژه‌ها:

مشروطیت، شرکتهای خارجی، روسها، آمریکائیهها، جامعهٔ مدنی، عصر امتیازات.

* * *

* دکترای تاریخ ایران و استادیار دانشگاه شهید بهشتی.

بدون شک، انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تاریخ ما رقم زد. صرف نظر از دلایل وقوع این حادثه بزرگ، جامعه ایرانی به مرحله‌ای گام نهاد که نتیجه آن دورشدن تدریجی از سنتهای کهن دیرپا در عرصه زندگی جمعی است. در عصر مشروطیت - که نگارنده مایل است آن را به طور سلیقه‌ای از سال ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۷ م. تا پایان دوران قاجاریه و تأسیس سلسله پهلوی در نظر بگیرد - زندگی جمعی ایرانیان وارد مرحله جدیدی از زندگی مدنی و به تبع آن به طور بی سابقه‌ای دارای ابعاد متنوعی شد. برای آگاهی یافتن از این گستره جدید، صرف رجوع به منابع و کتب منتشر شده مربوط به آن دوران کافی نیست، بویژه که عموم این آثار، بیش تر به حوادث و تحولاتی برمی گردد که در لایه مناسبات سیاسی جامعه رخ داده است. هرآنچه در این حوزه اتفاق می افتد، معمولاً آشکار و در معرض دید و ارزیابی همگان قرار می گیرد. اما تحولاتی که در عرصه مناسبات اجتماعی و یا ترکیبی از مناسبات اجتماعی، اداری، اقتصادی و فرهنگی رخ می دهد، آرام و کم پیداست. در همین زمینه، تألیفاتی که دربرگیرنده تاریخ اجتماعی عصر مشروطه باشد، بسیار کم تر از آثاری است که به امور سیاسی پرداخته است.

بررسی منابع این عصر، جای هیچگونه تردیدی نمی گذارد؛ که درک عمیق تر ابعاد چندگانه جامعه آن روز، نیازمند منابع جدید است که در حال حاضر، این منابع می تواند اسنادی باشد که در بایگانیهای کشور در کمیت بسیار وسیع وجود دارد.

کار با اسناد علاوه بر اینکه پیچیدگی های خود را دارد، مشکلات دسترسی به آنها امری است بسیار قابل ملاحظه. عاملی که دسترسی به اسناد را سخت می کند، نوع ساماندهی این اسناد در بایگانیهای کشور است. به جهت پرهیز از طولانی شدن مطلب، این مشکل را صرفاً و به اختصار در ارتباط با سازمان اسناد و کتابخانه ملی -

که متولی اصلی حفظ و نگهداری اسناد است - با طرح تنها یک نمونه پی می گیریم.

چنانچه پژوهشگری در جستجوی اسناد مربوط به تخت جمشید، انتظار داشته باشد با دادن کلید واژه تخت جمشید به رایانه سازمان، همه اسناد مربوط به تخت جمشید در اختیارش قرار گیرد، توقع بیهوده‌ای است؛ زیرا با این کلید واژه حتی یک برگ سند هم به او معرفی نمی شود. بعد از پی گیری بیش تر، متوجه می شویم واژه تخت جمشید در زیر واژه‌ای که امروز خیلی کم استعمال می شود یعنی «ابنیه تاریخی» طبقه بندی شده است. وقتی ترکیبهای «تخت جمشید» و «ابنیه تاریخی» را در دو کفه ترازو می گذاریم، هیچ محقق تاریخ ایران نمی تواند تصور کند که ترکیب دوم از ترکیب اول دارای وزن تاریخی مهم تری باشد، تا برای تحقیق در مورد تخت جمشید سراغ خود این واژه نرود.

بدون تردید این انتقاد، سبب غفلت از زحمت گسترده و صبورانه‌ای نخواهد شد که در بیش تر از دو دهه اخیر در این سازمان برای ساماندهی اسناد صورت گرفته است. اما این واقعیت را نمی توان کتمان کرد که شرایط نامساعد ساماندهی اسناد، صرفاً خاص سازمان اسناد نیست، بلکه متأسفانه در کشورها امری است شامل و دربرگیرنده همه بایگانیهای رسمی اسناد. این واقعیت، راه دسترسی به اسناد و کار درباره آنها را برای محققان تاریخ دشوار کرده است. با وجود این نگارنده مقاله، در دو سال اخیر از راهنمایی مشفقانه و تجارب ارزشمند متصدیان صبور اتاق پژوهش سازمان اسناد و کتابخانه ملی بهره فراوان برده و به اسناد بسیار متنوعی دست یافته است که می توان به عصر مشروطه از منظری چشم انداخت که تاکنون کم تر مورد توجه بوده است. بنابراین، مقاله حاضر با توجه به بررسی ۲۱۳۰ برگ

از برگزیده‌ترین اسناد قراردادهای موجود در سازمان یاد شده تألیف شده است.

مورخان و روشنفکرانی که تحقیقات آنها به طور عمده به تحولاتی مربوط به حوزه سیاست اختصاص دارد، در زمینه این پرسش که «آیا انقلاب مشروطه برای ما ایرانیان دستاوردی داشته است یا نه؟»، عموماً به بحثهای جدلی و نظری وارد شده‌اند که پایانی ندارد.

نگارنده بر خلاف قاعده فوق، از منظر تاریخ اجتماعی به معرفی اسنادی می‌پردازد (اگر چه در تعداد اندک) که بیانگر پیدایش تقاضاها و انتظارات و در نتیجه تحرک مدنی در جامعه ایرانی عصر مشروطه است:

۱- بانک استقراضی

امتیاز بانک استقراضی در سال ۱۳۰۷ق. / ۱۸۹۰م. از طرف دولت ایران به ژاک پولیاکف روسی به مدت ۷۵ سال واگذار شد.^۱ در فصل هفتم امتیازنامه تصریح شده است، صاحب امتیاز باید «صدی ده از منابع کل به خزانه دولت کارسازی نماید و علاوه بر این صدی ده، هر سالی مبلغ هزار تومان مالیات خراج طهران، صاحب امتیاز به خزانه دولت کارسازی خواهد نمود».^۲

براساس اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، بانک استقراضی، حق‌السهم دولت ایران را از درآمدهای بانک از سال اخذ امتیاز تا ۱۳۲۷ق. / ۱۹۱۰م. نپرداخته است. این امر پیش از آنکه توجه نهادهای دولتی مسئول مانند اداره مالیات تهران و یا وزارت مالیه را به خود جلب کند، توسط شخص دلسوزی به نام محمدحسن کاشانی فاش و بجد پیگیری شد. نامبرده در نامه‌ای (احتمالاً) خطاب به وزیر مالیه نوشته است: «بعد از بیست سال با هزار زحمت» پی‌به خطای بانک استقراضی برده و از طریق مذاکرات با دبیر مخصوص و وزیر مختار روسیه، طلب بیست ساله دولت ایران از بانک مزبور اثبات و موافقت شده است که به دفاتر بانک رسیدگی

شود. لذا تقاضای تشکیل کمیته‌ای را می‌نماید تا از این طریق حق دولت ایران از بانک جبران شود.^۳ نامبرده از اهمال دستگاه مالی ناامید نشده و در ۹ صفر ۱۳۲۸ق. / ۲۰ فوریه ۱۹۱۰م. طی نامه‌ای به رئیس مجلس شورای ملی،^۴ به پیگیری خود در جهت «اخذ منافع دولت و حقوق ملت»^۵ مصرانه ادامه داده و ضمن انتقاد صریح از «وزرای عظام بخصوص آقای وزیر مالیه»، از این جهت که منافع و طلب دولت از بانک استقراضی را - که در طی بیست سال گذشته «بالغ برده کرور تومان»^۶ می‌شده - مورد توجه جدی قرار نداده، به مواردی می‌پردازد که بدون تردید خواننده را به این نتیجه می‌رساند که جامعه آن روز ایران، به برکت انقلاب مشروطه از انقباض خارج شده و نظارت جمعی در دستگاههای دولتی به طور نسبی وجود داشته است؛ اگر چه ممکن است که این قبیل پیگیریها الزاماً به نتیجه مطلوب نرسیده باشد، ولی این چنین پیگیریهای جمعی حکایت از علائمی دارد که جامعه ایرانی در مسیر جدیدی گام نهاده بوده است. گویی اینکه در همین مورد، مکاتبه اداره مالیه تهران با وزارت مالیه^۷ و نیز نامه وزارت مالیه خطاب به وزارت امور خارجه^۸ به جهت پیگیری مطالب مربوط به نامه محمد حسن کاشانی، حاکی از شدت نفوذ نظارت اجتماعی بر نهادهای مدنی آن دوران است.

از نتایج دیگر پیگیریهای محمد حسن کاشانی، نامه‌ای است که مجلس شورای ملی خطاب به وزارت مالیه همانند مورد بدهی بانک استقراضی، وزارتخانه مزبور را ملزم کرده تا به حساب بانک شاهنشاهی نیز رسیدگی شود: «لازم است که آن وزارت جلیله، در حصه منافع بانک شاهنشاهی که به موجب فصل هفتم امتیازنامه خودش که شرح ذیل عیناً درج می‌شود و باید به دولت علیه عاید دارد، اطلاعات کامله و توضیحات کافیه به مجلس شورای

ملی بدهید که در این سنوات به خزانه دولت عاید شده و به حساب بانک شاهنشاهی رسیدگی شده است یا خیر!^۹

پیگیری یاد شده در بالا، نه تنها موارد منحصر به فرد نمی باشد بلکه در تمام دوران عصر مشروطیت بویژه از طریق مطبوعات نیز قویاً تعقیب می شد.

بانک استقراضی در ۲۲ ذیحجه ۱۳۱۹ق. / ۱ آوریل ۱۹۰۲م. امتیاز راه شوسه جلفا- تبریز- قزوین را تحصیل و مطابق با ماده ۱۴ این امتیازنامه می بایست «در سالهایی که منافع راه نسبت به مخارج از صدی پانزده زیادتر بوده باشد، نصف آن فاضل را به اعلیحضرت همایونی بپردازد».^{۱۰} بانک استقراضی در مدت ۱۷ سال که از انعقاد قرار دادش با دولت ایران سپری شده... «دیناری از این بابت به خزانه دولت»^{۱۱} پرداخته است. وزارت فواید عامه، طلب ۱۷ ساله دولت ایران را از بانک استقراضی به توسط وزارت خارجه پیگیری و امتیاز راه تبریز - قزوین را که در واقع قسمت دوم امتیازنامه «راه شوسه جلفا- تبریز- قزوین» بود، به این دلیل لغو کرد که بانک مزبور از انجام تعهدات خود - که در ماده ۲ امتیازنامه فوق قید شده - سر باز زده است.

۲- کمپانی لینچ

در ۳ ربیع الثانی ۱۳۰۷ق. / ۲۷ نوامبر ۱۸۸۹م. دولت ایران امتیاز ساخت راه اهواز- تهران را به انضمام راه بروجرد و اصفهان به مدت ۶۰ سال به یحیی خان مشیرالدوله واگذار کرد. این امتیاز بعد از دوبار خرید و فروش، بالاخره در تاریخ ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۰ق. / ۲۴ اوت ۱۹۰۲م. به شرکت انگلیسی لینچ رسید.^{۱۲}

بر طبق فصل هفتم امتیازنامه، کمپانی لینچ می بایست بیست درصد از عایدات خود را به دولت ایران می پرداخت؛ حال آنکه «از تاریخ امضای امتیازنامه مورخه سنه ۱۳۰۷ق. / ۱۸۸۹م. تا به حال (۱۲۹۷ش. /

۱۳۳۶ق. / ۱۹۱۸م.) که ۲۹ سال گذشته است، از این بابت دیناری نپرداخته و از ارائه صورت حساب سالیانه - که در قرارداد تصریح شده است - استنکاف داشته».^{۱۳} آنچنان که اسناد نشان می دهد، اولین بار مولیتور رئیس پست ایران در طی نامه ای به تاریخ ۱۰ شعبان ۱۳۳۱ق. / ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۳م. خطاب به وزیر فواید عامه، با شیوه ای مستدل، از رفتارهای خلاف قانون کمپانی لینچ پرده برداشته است.^{۱۴} سپس وزارت فواید عامه در دو نوبت به تاریخ ۲۶ قوس (آذر) ۱۲۹۵ش. / ۲۱ صفر ۱۳۳۵ق. / ۱۷ دسامبر ۱۹۱۶م. و ۵ ثور (اردیبهشت) ۱۲۹۷ش. / ۱۵ رجب ۱۳۳۶ق. / ۲۶ آوریل ۱۹۱۸م.، از طریق وزارت امور خارجه تعهدات کمپانی لینچ درباره حق السهم دولت ایران و نیز تکمیل ساخت راه تهران- محمره «و اصفهان- بروجرد» را خاطر نشان کرد و کمپانی مزبور را به دلیل خساراتی که به تجارت و دولت ایران وارد آمده، شدیداً تهدید به لغو امتیاز کرد.^{۱۵}

۳- واکنش وزارت امور خارجه در برابر اعمال خلاف قانون شرکت روسی خوشتاریا^{۱۶}

شرکت خوشتاریا در ایالات شمالی ایران (گیلان، مازندران، استرآباد و اردبیل) دارای امتیازاتی در زمینه کشف و استخراج معادن و استخراج نفت و موم طبیعی معدنی و نیز امتیاز احداث خط آهن پيله بازار (پیر بازار) به رشت بود.^{۱۷} شرکت نامبرده براساس قراردادی که با نصرت الله خان سردار امجد طالشی و فرزندان وی منعقد کرد، امتیاز احداث راه آهن را در حوالی طولش به دست آورد.^{۱۸} شرکت خوشتاریا به ضبط غیر قانونی اراضی دولتی نیز دست اندازی کرد و این امر موجب اعتراض شدید مردم آن نواحی شد. زیرا اهالی معتقد بودند که سردار امجد اجازه نداشته است که از طرف دولت امتیاز راه آهن را اعطا و املاک خالصه را واگذار نماید.^{۱۹} آنچه جالب است، هماهنگی وزارت امور خارجه ایران با

اعتراضات مردم طالش است. وزیر خارجه در نامه‌ای خطاب به وزیر مالیه، اعتراف کرده که هرچه سفارت روس مکاتبه کرده و هر قدر هم از طریق وزیر مختار ایران در پتروگراد رفتار خلاف قانون شرکت خوشتاریا را به آگاهی دولت روسیه رسانده، باز هم نتیجه نداده است.^{۲۰} وزیر خارجه ایران - که از پیگیریهای خود و پاسخ مناسب از طرف دولت روسیه مایوس شده بود - نسبت به توقف اقدامات سوء شرکت خوشتاریا چنان نظر قاطعی داد که در حکومت‌های پیش از مشروطه کم سابقه است که یکی از وزرا به خود اجازه دهد در مورد یکی از شرکت‌های وابسته به یکی از دوایر قدرت روس و انگلیس، این چنین محکم برخورد کند: «لازم است مأمورین دولتی رسماً از مداخلات مشارالیه در خالصجات دولتی جلوگیری کرده و در املاک جنگلهایی که متعلق به دولت است، نگذارند اجزای این کمپانی دخالتی نموده، به بریدن چوب یا کشیدن خط آهن مبادرت نماید. بدیهی است اوامر اکیده در این خصوص صادر خواهند فرمود».^{۲۱}

۴- واکنش مرنارد خزانه‌دار کل در برابر شیوه راهداری شرکت روسی راه انزلی - تهران

شرکت روسی بیمه و حمل و نقل در ایران، در ۴ ذیقعدۀ ۱۳۱۰ق. / ۲۰ مه ۱۸۹۳م. امتیاز ساخت جاده انزلی - قزوین و در ۱۴ رجب ۱۳۱۳ق. / ۳۱ دسامبر ۱۸۹۵م. امتیاز ساخت راه قزوین به تهران را از دولت ایران دریافت کرد.^{۲۲} مدت امتیاز ۹۹ ساله و قرار بود در طول این مدت دولت ایران تحت هیچ عنوانی از شرکت بیمه و حمل و نقل در ایران مالیاتی مطالبه نکند. ضمناً چنانچه درآمد شرکت از ۱۲ درصد بیش تر شد، نصف مبلغ اضافه بر ۱۲ درصد را سالانه به دولت ایران بپردازد.^{۲۳} شرکت مزبور پس از پایان عملیات ساخت راه انزلی -

تهران، به منظور تعیین حقوق راهداری جدولی ارائه داد^{۲۴} که بوضوح اجحافی بود بر مال‌التجاره‌های تجار و مسافرانی که در این مسیر تردد داشتند؛ با توجه به نرخ گذاری حقوق راهداری توسط شرکت راه انزلی - تهران، مرنارد در طی نامه‌ای به وزیر مالیه محاسبه کرد که: «اگر اشخاص متفرقه بخواهند به وسیله «اتومبیل» حمل مال‌التجاره نمایند، میزان کرایه ده خروار مال‌التجاره معادل پنج برابر نیم کرایه دوازده الی چهارده خروار مال‌التجاره خواهد بود که به وسیله گاری چهار اسبه حمل می‌شود».^{۲۵}

در مکاتبه‌ای دیگر، مرنارد با اعتراض به شرکت راه انزلی - تهران که از هر کامیون خزانه که از تهران عازم انزلی بوده است، هفتاد تومان حق راه دریافت داشته، یادآور می‌شود که اولاً این نرخ گذاری آنها بدون کسب اجازه از اولیای دولت ایران بوده و نیز در ادامه برای وزیر مالیه توضیح داده که: «حق العبور یک دستگاه کامیون که هفته‌ای یک مرتبه رفته و مراجعت نماید، در سال بالغ به هفت هزار و دویست و هشتاد تومان می‌گردد و برای یک صد دستگاه کامیون، حق العبور بالغ به ۷۲۸,۰۰۰ تومان می‌شود که در حقیقت قیمت ساخت پنجاه کیلومتر راه آهن است».^{۲۶}

تا اینجا سعی نگارنده بر این بوده تا موضوع اعتماد به نفسی که در مکاتبات اداری از مردان دولتی عصر مشروطه در مورد دولتها و مؤسسات خارجی انعکاس یافته و به نوبه خود این پدیده در دوران پیش از مشروطه کم سابقه بوده است، با گزینش تعداد اندکی از این گونه مکاتبات، برجسته گردد. در ادامه مقاله حاضر، با به بحث کشاندن دو حادثه اجتماعی - که مربوط به صیادان بندر انزلی و صنف قصابان قزوینی می‌شود - سعی خواهد شد تا آن اعتماد به نفس را که می‌توان آن را اعتماد به نفس مدنی نامید و

جامعه آن روز ایران به طور نسبی از آن برخوردار شده بود، دریافته شود.^{۲۷}

۵- واکنش مردم انزلی در مقابل اجحافات شرکت لیانازف (شیلات شمال)

براساس عهدنامه تجاری ایران و روسیه (۵ شعبان ۱۲۴۳ق. / ۲۱ فوریه ۱۸۲۸م.)، تجار روسی برای فعالیت خود در ایران به حقوقی دست یافتند. از این تاریخ تا سال ۱۲۹۳ق. / ۱۸۷۶م. تمام شیلات دریای مازندران به میرزاحسین خان سپهسالار اجاره داده شد و او به نوبه خود همه آن را در تاریخ ۱۹ جمادی الاول ۱۲۹۳ق. / ۱۲ ژوئن ۱۸۷۶م. به استپان لیانازوف، تاجر روس واگذار کرد. اما به دلیل خودداری لیانازوف از پرداخت مبلغ اجاره، میان میرزاحسین خان سپهسالار و طرف روسی اختلافاتی پیش آمد که در نهایت با «قرارنامه کتبرات چهارم، اکتبر ۱۸۷۹ / ذیقعه ۱۲۹۶» اختلافات به پایان رسید و شرکت شیلات لیانازوف، کار پرسود خود را در تمام گستره سواحل دریای مازندران از آستارا در غرب تا رود اترک در شرق استان مازندران آغاز کرد و از بابت این امتیاز فوق العاده پر درآمد، سالانه ۵۰,۰۰۰ تومان به ناصرالدین شاه می پرداختند.^{۲۸}

قرارداد شیلات شمال در سالهای بعد و حتی در عصر مشروطیت چندبار تمدید شد تا اینکه در سال ۱۹۱۷م. / ۱۳۳۶ق. در بجهوجه انقلاب اکتبر، انتقال پول طلا به خارج از روسیه ممنوع گشت. در نتیجه شرکت لیانازوف نتوانست به تعهدات مالی خود عمل کند. بنابراین دولت ایران قرارداد شیلات شمال را در ۲۳ شعبان ۱۳۳۶ق. / ۳ ژوئن ۱۹۱۸م. لغو و آن را به یک تبعه دیگر روس به نام گریگور پطرویچ وانتیتسفسف به مدت ۲۰ سال اجاره داد. نامبرده هم از عهده برنیامد و قرارداد شیلات در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۰ش. / ۲ مه ۱۹۲۱م. لغو و

اموال و دارائی شیلات در مقابل طلب دولت ایران ضبط شد.^{۲۹} ۶۲ نفر از صیادان انزلی به نمایندگی از ۷,۰۰۰ صیادی که در حوالی مرداب انزلی زندگی می کردند، در نامه شکوه آمیزی به وزیر فواید عامه، از ظلم و ستمی که شرکت صیادی لیانازوف بر آنها وارد کرده بود، بتفضیل توضیح دادند. صیادان یاد شده، ضمن بیان سختیهای خاص صید در دریا نوشته بودند که اصلی ترین ماهی که آنها از دریا صید می کنند، ماهی صوف است که شرکت لیانازوف آن را به زور به نام ماهی حرام و با قیمتی که خود تعیین می کند، برای هر ۱,۰۰۰ قطعه ۱۲/۵ تومان می پردازد. در حالی که قیمت واقعی آن ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان است.^{۳۰} در ادامه این رنجنامه صیادان مرداب انزلی، به نکته جالبی برمی خوریم که حاکی از یک هوش مدنی قابل تحسین و نوع خاصی از گفتمان با پشتوانه حقوقی است که بدون شک حاصل عصر مشروطیت است: «مکرر به دولت متبوعه خود تظلم کردیم ولی از نقطه نظر اینکه شاید دولت هم به واسطه فشارهای خارجی نمی توانست اقدامی بکند، ساکت مانده و شب و روز دعا می کردیم که تنها این اجاره (مدت امتیاز لیانازوف) تمام شود و ما بیچارگان راحت بشویم تا اینکه دعای ما به اجابت رسیده، موانع خارجی برطرف و به واسطه تخطیات لیانازوف از مواد کتبرات، دولت موفق به الغای کتبرات آنها گردید. اینک از آن مقام منیع استدعا می نمایم که چنانچه دولت بخواهد مجدداً کتتراتی با ورثه لیانازوفها یا دیگری ببندد، باید حال ما بیچارگان را در نظر گرفته و مراعات نکات فوق الذکر را نموده...»^{۳۱}

میرزا صادق خان سردار معتمد، در ۲۹ ذیقعه ۱۳۲۷ق. / ۱۲ دسامبر ۱۹۰۹م. طی نامه به وزیر داخله، درباره اجحافات که شرکت لیانازوفها به صیادان انزلی تحمیل کرده بودند، توضیح داده و از وزارت داخله درخواست کرده با مراجعه به سفارت روس، از آنها

داخله حاوی نکات جالبی است. آنها توضیح داده‌اند که قصابان قزوین تا پیش از این تحت ظلم و شکنجه دو نماینده کمپانی به نامهای میکائیل تبعه روس، وحاج میرزا آقا قصاب بودند و با اراده «اهالی شهر» و موافقت اداره بلدیة شهر قزوین و نیز وزارت داخله، امتیاز فروش پوست و روده قصابخانه قزوین به یک تاجر ایرانی واگذار می‌شود.^{۳۶} قصابان قزوین ضمن ابراز رضایت از عملکرد تاجر ایرانی، وزارت داخله را متوجه القای شبهات نمایندگان شرکت قره‌گوزیان کرده و از آن وزارتخانه خواستند که اهالی وطنخواه شهر قزوین را از شر نمایندگان کمپانی خلاص نماید.^{۳۷}

نتیجه

جامعه ایرانی اگرچه در حوزه سیاست نتوانست اندیشه فلسفی بدیع تولید کند، ولی اسناد بسیار فراوان به ما این حقیقت را نشان می‌دهد که ایرانیان در عرصه‌های دیگر، از کوشش برای پیشرفت و توسعه دست از تلاش برنداشتند. لذا بنابر نظر اینجانب، توجه به تاریخ اجتماعی عصر مشروطه اگر مهم‌تر از تاریخ سیاسی آن دوران نباشد، کم اهمیت‌تر نبوده و به عبارت صحیح‌تر، وجه تکمیلی آن به شمار می‌رود. بنابراین مقاله پیش‌رو، حاصل تحقیق و تعمق در مباحث اجتماعی و اقتصادی مندرج در اسناد امتیازات و قراردادهای عصر قاجاریه است.^{۳۸}

امتیازاتی که دولت قاجار تا عصر مشروطه به بیگانگان واگذار کرد، چنان سرنوشت شومی برای جامعه ایرانی به وجود آورد که بحق یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مجلس شورای ملی - که خود در مرکز تحولات آن دوره قرار داشت - مبارزه با این عامل ویرانگر بود.^{۳۹}

این مهم نه تنها مواد ۲۳ و ۲۴ قانون اساسی را به خود اختصاص داد، بلکه نمایندگان مجلس پاسداری از آن مواد

بخواهد تا شرکت لیانازوف را موظف نماید، صید ماهیهای حلال را به یک نفر از اتباع ایرانی اجاره داده، او به نوبه خود با تقسیم شیلات حلال در میان صیادان، موجبات امرار معاش این جماعت را فراهم نماید.^{۳۲}

دادخواهی صیادان مرداب انزلی در گزارش ۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ق. / ۳۱ مه ۱۹۱۱م. کارگزار انزلی به وزارت امور خارجه انعکاس یافته و کارگزار، ضمن شرح اعمال خلاف قانون شرکت لیانازوف، نارضایتی صیادان را نیز یادآور شد و از مرکز تقاضا کرد که یک نفر مأمور ایران باید به عنوان ناظر بر کار شرکت لیانازوف نظارت داشته باشد.^{۳۳}

۶- واکنش قصابان قزوین در برابر نمایندگان شرکت امریکایی قره‌گوزیان

در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۲۳م. / ۱۱ آبان ۱۳۰۲ش. سفیر آمریکا در تهران طی نامه‌ای به ذکاءالملک، وزیر امور خارجه ایران، درباره قرارداد قصابان قزوین با شرکت امریکایی قره‌گوزیان توضیح داده، نیز شکایت این کمپانی را از وزارت داخله ایران از اینکه خرید انحصاری روده و پوست کشتار قزوین را به شخصی به نام میرزا ابوطالب واگذار کرده، به اطلاع ذکاءالملک رسانید و ادامه داد که قصابان قزوین دیگر به نماینده کمپانی، میکائیل برخورداریان، برخلاف قرارداد^{۳۴} فی مابین، روده و پوست نمی‌فروشد. بدین وسیله سفارت امریکا از وزارت امور خارجه ایران برای رفع مشکل فوق استمداد خواسته است.^{۳۵} بلافاصله وزارت امور خارجه ایران از وزارت داخله تقاضا کرد که: «اهتمامی بفرمایید که حقوق کمپانی موافق کترات محفوظ بماند».

نامه مورخه اول رجب ۱۳۴۲ق. / ۱۷ بهمن ۱۳۰۲ش. / ۷ فوریه ۱۹۲۴م. قصابان قزوین - که ممه‌ور به مهر همه آنان است - در خطاب و حمایت از وزارت

را وظیفه خود دانسته و در موقع مقتضی راجع به آنها بتفصیل به بحث می‌پرداختند.^{۴۰}

مجلس شورای ملی براساس ماده ۲۴ قانون اساسی، به طور جدی در انعقاد هرگونه قراردادی حتی اگر در حدواندازه‌های ساختن یک گمرکخانه کوچکی مانند گمرکخانه رود حله در بندر ریگ - که قرارداد آن میان لئو، رئیس گمرگات جنوب، و حیدر خان حیات داودی حاکم بندرریگ منعقد شد - دخالت می‌کرد.^{۴۱}

عصر مشروطه - که به نوعی در چنبره اختاپوسی پیامدهای شبکه امتیازات دوره‌های قبل از خود دست و پا می‌زد - گاه به فغان می‌آمد و گاه امتیازی را که موعدهش سرآمده بود، لغو و از تمدید آن سر باز می‌زد و هرگاه باید امتیاز جدیدی را اعطا می‌کرد، با چنان وسواسی مواد آن را به بحث می‌گذاشت که به هیچ وجه با شیوه امتیاز بخشی در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه شباهتی نداشت. کافی است به گزارشی که درباره حفاریها و گنجینه‌های کشف شده در شوش در روزنامه مجلس درج شده است، مراجعه شود^{۴۲} تا از رنج آن عصر در قبال امتیاز حفاری که در سال ۱۳۰۰-۱۳۰۱ق. / ۱۸۸۳-۱۸۸۴م. دیولافوای فرانسوی به دست آورد،^{۴۳} آگاه شد.

مطابق این امتیاز، فرانسویها هرچه در شوش به دست می‌آوردند، به آنها تعلق داشت و هر آنچه در غیر شوش کشف می‌شد، نصف برای ایران و نصف برای صاحب امتیاز بود. وجه قابل ملاحظه امتیاز، نامحدود بودن آن به لحاظ زمانی بود.^{۴۴}

دراغلب قراردادها یک ماده و یک بندی درج می‌شد که اگر ویرانگرتر از اصل امتیاز نبود، از آن کم اهمیت‌تر نبود. در امتیاز ساخت شمع گچی که در ۱۷ شعبان ۱۳۰۶ش. / ۱۸ آوریل ۱۸۸۹م. به ادوارد دتی داده شد، در انتهای امتیاز نامه آمده است، صاحب امتیاز می‌تواند هر مقدار چوب - که

لازم دارد - مجاناً از جنگلهای ایران استخراج نماید.^{۴۵} همین جمله در قرارداد اخیر و یا موارد مشابه در قراردادهای دیگر کافی بود تا مورد سوء استفاده صاحب امتیاز قرار می‌گرفت و به غارت جنگلهای ایران و دیگر منابع ثروت کشور به طور رایگان می‌پرداختند.

پیش از این به یک مورد دیگر از این قبیل سوء استفاده‌ها، در مورد دست‌اندازیهای شرکت خوشتاریا به اراضی اطراف طالش اشاره رفت. در اینجا باید به این حقیقت اذعان داشت که نگارنده بر این نظر نیست که هر آنچه در عصر مشروطه اتفاق افتاده است، بسیار سنجیده و در تناسب با منافع ملی ایرانیان بوده است، بلکه با ذکر چند نمونه از امتیازات و یا طرح محتوای بعضی از اسناد مربوط به قراردادها، درصدد برجسته کردن تفاوت‌های عصر مشروطه با دوره‌های پیش از آن بوده است. مقایسه دو امتیاز دیگر که یکی در عصر ناصری به روسها واگذار شد و دومی در مجلس شورای ملی به بحث گذاشته شد، این تفاوت را نمایان‌تر می‌کند.

در سال ۱۳۰۷ق. / ۱۸۹۰م.، دولت ایران یک امتیاز دهساله جهت احداث راه‌آهن به روسها داد و در سال ۱۳۱۷ق. / ۱۹۰۰م. به مدت ده سال دیگر تمدید شد. در طول مدت اعتبار قرارداد، نه دولت ایران اجازه داشت راه‌آهنی تأسیس کند و نه اینکه اجازه داشت به شرکت دیگری امتیاز تأسیس راه‌آهن بدهد.^{۴۶} این قرار داد به تمام طرحهای احداث راه‌آهن تا سال ۱۳۲۷ق. / ۱۹۱۰م.، چه طرح بریتانیا در مورد خط‌آهن سیستان و چه طرح آلمان در مورد احداث راه‌آهن بغداد به تهران، پایان داد.

عنوان «عقیم کننده» که برخی از منابع تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجاریه به این قرارداد داده‌اند، بسیار بجاست.^{۴۷} در مقایسه با قرارداد اخیر، مباحثی که در مذاکرات دوره دوم مجلس شورای ملی پیرامون تنظیم

مواد امتیازنامه ساخت راه مشهد سر- بارفروش صورت گرفت، ما را به هدف این مقاله نزدیکتر می کند.

مجلس شورای ملی، امتیاز ساخت راه مشهد سر- بارفروش رابه یک تبعه دولت ایران به نام خداداد پارسی معروف به ساسانی واگذار کرد.^{۴۸} ماده پنجم قرارداد، هر گونه مداخله و شرکت اتباع خارجی را در این قرارداد ممنوع کرد و نیز صاحب امتیاز براساس ماده دوازدهم متعهد شده بود در ساخت راه مزبور، صرفاً از کارگران ایرانی استفاده کند.^{۴۹} علاوه براین مراجعه به مذاکرات مجلس به جهت اعطای امتیاز صابون سازی و چرم سازی و نیز امتیاز طلاشویی،^{۵۰} نگارنده را از تفصیل بیشتر مطلب بی نیاز می سازد.

در خاتمه، تکرار این مطلب بی مورد نیست که با مراجعه به تاریخ اقتصادی و اجتماعی عصر مشروطه، این امر را بر ما مبرهن می کند که جامعه ایرانی وارد عصر جدیدی شد که سرشار از شور و شوق بوده است. دراین دریای متلاطم در حال تجربه خویش بوده و با هر تجربه ای که می کند، شعور مدنی خود را تعمیق می بخشیده است. چون مسیر مدنی شدن امر زمان مندی است، بنابراین نمی شود از شکست مشروطه سخن گفت. در این عرصه، پیروزی حاصل زمان است. جامعه ایرانی با ورود به عصر مشروطه، به واقع به فضای غیر قابل برگشتی گام نهاد، و تاریخ اجتماعی یکصد سال اخیر، غیر از این به ما نمی گوید.

پی نوشتها :

- ۱- مظفر شاهی، تاریخ بانک استقراضی در ایران، نگاهی گذرا به روند همکاریهای بانکی ایران و روس (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱)، ص ۷۳.
- ۲- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۲۵۲۶۰، محل در آرشیو ۷۰۹ ذ ۲ ب آ، سند

«نمره ۳۹۵».

- ۳- همان، سند ۶۶۰، بیست و چهارم ذیحجه ۱۳۲۷.
- ۴- همان، سند ۳۲۳۶/۳۰۶، بیست و نهم صفر ۱۳۲۸.
- ۵- همان، سند ۱۷۸۶۷، بیست و چهارم ذیقعدة ۱۳۲۸.
- ۶- همان، سند ۳۲۳۶/۳۰۶، بیست و نهم صفر ۱۳۲۸.
- ۷- همان، سند ۳۹۵، شانزدهم ذیحجه (۴) ۱۳۲۷.
- ۸- همان، سند ۹۴۱، هجدهم رمضان ۱۳۲۷.
- ۹- همان، سند ۱۰۶۹، پانزدهم ذیحجه ۱۳۲۷.
- ۱۰- مجله فلاح و تجارت، سال اول، شماره ۴ (پانزدهم ثور ۱۲۹۷)، ص ۴۹.
- ۱۱- همان، صص ۴۹-۵۰.
- ۱۲- ویلهلم لیتن، ایران از نفوذ مسالت آمیز تا تحت الحمایگی، ترجمه مریم میراحمدی (تهران: انتشارات معینی، ۱۳۶۷)، ص ۴۰.
- ۱۳- مجله فلات و تجارت، سال اول، شماره ۵ (یکم جوزا ۱۲۹۷)، ص ۷۰.
- ۱۴- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۲۴۰۴، محل در آرشیو ۲۰۳ غ ۲ آ آ، سند ۵۲۰۹، پانزدهم ژوئیه ۱۹۱۳.
- ۱۵- مجله فلاح و تجارت، سال اول، شماره ۵، (یکم جوزای ۱۲۹۷)، صص ۷۰-۷۱.
- ۱۶- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۱۰۳۳۲، محل در آرشیو ۴۰۵ غ ۳ الف الف ا، سند ۷۷۱۹، بیست و هفتم ربیع الاول ۱۳۳۵.
- ۱۷- همان، سند ۳۵، هفتم جمادی الاول ۱۳۳۴ / دوازدهم مارس ۱۹۱۶.
- ۱۸- همان، سند ۳۲، ششم جمادی الاول ۱۳۳۴ / یازدهم مارس ۱۹۱۶.
- ۱۹- همان، سند ۷۹۲۶/۱۶۹۲، نوزدهم شعبان ۱۳۳۲ و نیز سند ۷۲۱۰/۲۱۵۵، هجدهم شعبان ۱۳۳۲.
- ۲۰- همان، سند ۱۱۰۹۵/۹۲۵، بیست و دوم ربیع الاول ۱۳۳۳.
- ۲۱- همان، همان سند.
- ۲۲- ابراهیم تیموری، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در

- ۳۹- روزنامه **مجلس**، سال سوم، شماره ۴۵ (بیست و هشتم ذی‌قعدة ۱۳۲۷)، ص ۴.
- ۴۰- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۱۹۸۷-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۴۱۰ ع الف الف ۱، سند ۶۳۳۲، ششم جوزای ۱۳۲۹.
- ۴۱- روزنامه **مجلس**، سال سوم، شماره ۴۸ (دوم ذیحجه ۱۳۲۷)، ص ۱.
- ۴۲- جمالزاده، **پیشین**، ص ۱۱۵.
- ۴۳- همان، ص ۱۱۵.
- ۴۴- محدث میرهاشم، **چند امتیازنامه عصر قاجار** (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۰)، ص ۵۷.
- ۴۵- چارلز عیسوی، **تاریخ اقتصادی ایران، عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ق.**، ترجمه یعقوب آژند (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹)، ص ۲۳۸.
- ۴۶- همان، ص ۲۸۳.
- ۴۷- مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره دوم، جلسه ۱۱۰، پنجشنبه بیست و دوم جمادی‌الآخر ۱۳۲۸.
- ۴۸- همان.
- ۴۹- همان، جلسه ۹۳، سه‌شنبه هفتم جمادی‌الاول ۱۳۲۸ و نیز جلسه ۱۴۴، یکشنبه سیزدهم رمضان ۱۳۲۸ و نیز جلسه ۱۷۱، یکشنبه سوم ذی‌قعدة ۱۳۲۸.
- ۵۰- همان، جلسه ۱۰۹، سه‌شنبه بیستم جمادی‌الآخر ۱۳۲۸ و نیز جلسه ۱۳۳، پنجشنبه نوزدهم شعبان ۱۳۲۸.
- ایران (تهران: اقبال، ۱۳۶۳)، صص ۳۵۲-۳۵۵.
- ۲۳- سید محمدعلی جمالزاده، **گنج شایگان، اوضاع اقتصادی ایران** (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۶)، ص ۱۰۱.
- ۲۴- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۲۶۹۱-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۲۳۷ غ آآ، سند ۷۱۴۲، یازدهم عقرب ۱۳۳۱.
- ۲۵- همان، سند ۱۷۷۷۵، سی‌ام برج میزان ۱۳۳۱.
- ۲۶- همان، سند ۱۸۹۸۵، چهاردهم برج عقرب ۱۳۳۱.
- ۲۷- تیموری، **پیشین**، صص ۲۹۲-۲۹۵.
- ۲۸- فیروز کاظم‌زاده، **روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴**، پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱)، ص ۱۹۲.
- ۲۹- تیموری، **پیشین**، ص ۳۰۵.
- ۳۰- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۰۸۴۸۱-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۳۰۳ ژ ۵ آآ.
- ۳۱- همان، همان سند.
- ۳۲- همان، شماره سند ۱۰۵۷۰۹-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۶۰۷ خ آآ، سند ۳۰۲۰۷، بیست و نهم ذی‌قعدة ۱۳۲۷.
- ۳۳- همان، شماره سند ۱۰۸۴۸۱-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۳۰۳ ژ ۵ آآ، سند دوم جمادی‌الثانی / یازدهم جوزای ۱۳۲۹.
- ۳۴- همان، شماره سند ۱۰۴۲۵۶-۲۹۵۰، محل در آرشیو ۸۲۶ غ ۲ آ، سند ۳۱۷، بیست و پنجم دلو ۱۳۰۰ و نیز همان، سند بیست و چهارم جمادی‌الاول ۱۳۴۰.
- ۳۵- همان، سند ۲۰۳، سوم نوامبر ۱۹۲۳.
- ۳۶- همان، سند ۱۲۷۲۸، هفدهم عقرب ۱۳۰۲.
- ۳۷- همان، سند غره رجب ۱۳۴۲.
- ۳۸- همان، همان سند.